

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: مارکسیسم لنینیسم امروز، ۲۷ جون ۲۰۲۲*
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۲۵ جولای ۲۰۲۲

بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال درباره وضعیت بین‌المللی



این جنگ که به‌عنوان یک جنگ بین روسیه و اوکراین ارائه می‌شود، بسیار فراتر از آن است. این در واقع بیان جنگ امریکا و ناتو با روسیه در چارچوب ستراتیژی هژمونیک امپریالیسم ایالات متحده است که در آن از اوکراین و قدرت سیاسی مستقر در آنجا به‌عنوان ابزاری در این اقدام خطرناک جنگ‌افروزی استفاده می‌شود.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال در ۵ و ۶ جون ۲۰۲۲ تشکیل جلسه داد. در اینجا توجه خوانندگان را به بخش بین‌المللی بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال جلب می‌کنیم.

وضعیت بین‌المللی

۱- تحولات کنونی جهان جنبه‌های اصلی تحلیل بیست و یکمین کنگره حزب کمونیست پرتغال را تأیید می‌کند. سرمایه‌داری هرچه بیشتر ماهیت استثمارگر، سرکوبگر، تهاجمی و چپاولگر خود را آشکار می‌سازد، ماهیتی که به‌طرز تکان‌دهنده‌ای با بیکاری، کار پرمخاطره، بی‌عدالتی و نابرابری‌های اجتماعی، فقر، گرسنگی، سوءتغذیه، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و حمایت اجتماعی، همراه با محرومیت از حقوق و ناکامی در این زمینه‌ها بیان می‌شود. ماهیتی که به نیازهای اساسی میلیون‌ها انسان، با حمله به آزادی‌ها و دموکراسی، تشدید تنش‌های بین‌المللی، ترویج جنگ و تشدید مشکلات زیست محیطی پاسخ می‌دهد تا ثابت کند که برای مشکلات پیش روی بشریت راه‌حلی ندارد.

سرمایه بزرگ در رویارویی با تعمیق بحران ساختاری سرمایه‌داری، جز تشدید استثمار، حمله به حقوق، تراکم و تمرکز فزاینده سرمایه و ثروت، و تحمیل خشونت‌آمیز سلطه اقتصادی و سیاسی خود، پاسخ دیگری نمی‌یابد. در نتیجه هجوم امپریالیسم، وضعیت بین‌المللی با وخامت جدی و خطرناک، بی‌ثباتی و عدم اطمینان زیاد و تحولات سریع مشخص می‌شود. ایالات متحده آمریکا با تکیه بر همسوئی متحدان خود، به‌ویژه ناتو و اتحادیه اروپا و همچنین جاپان و سایر کشورهای منطقه آسیا و اقیانوسیه، ستراتیژی خود در راه تحمیل برتری هژمونیک جهانی را تشدید می‌کند و به آستانه یک وضعیت کیفیتی جدید و حتی جدی‌تر می‌رساند.

۲- آمریکا با پافشاری بر سیاست مداخله‌گرانه و تجاوزکارانه خود - به‌نام «فشار حداکثری» - علیه کشورها و مردمی که تسلیم سیاست‌های دیکته‌شده‌اش نمی‌شوند، تشنج را در سطح جهانی تشدید می‌کند. و در عین حال که مطابق آخرین اقداماتش سیاست رویارویی با چین را دنبال می‌کند، به‌همراه متحدانش به‌طرز خطرناکی رویارویی با روسیه را نیز شدت می‌بخشد.

امپریالیسم برای جلوگیری و ممانعت از گزینه‌های مستقل توسعه، و کنترل روابط بین‌المللی و ثروت کشورها، سیاست مداخله، تهدید، باج‌خواهی و تجاوز، تحمیل تحریم‌ها و محاصره، تلاش برای انزوای سیاسی و اقتصادی کشورها و ملت‌ها را دنبال می‌کند.

این سیاست در ابتکارات اخیر دولت آمریکا در منطقه آسیا و اقیانوسیه مشهود است که هدف آن همساختن کشورها در این منطقه با ستراتیژی مقابله، انزوا و تحریکات فزاینده علیه چین از جمله ابزاری کردن تایوان با ایجاد AUKUS (شامل ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا) یا QUAD (مذاکرات امنیتی چهارجانبه، متشکل از ایالات متحده، استرالیا، جاپان و هند) می‌باشد. از نمونه‌های اقدام علیه کشورها و ملت‌های خاورمیانه می‌توان به اشغال غیرقانونی سرزمین‌ها توسط اسرائیل و سرکوب مردم فلسطین اشاره کرد و همچنین جنگ، اشغال و محاصره اقتصادی تحمیل شده توسط آمریکا و متحدانش بر سوریه؛ بی‌ثباتی و حضور نظامی آمریکا در عراق؛ مداخله و جنگ در یمن؛ مداخله در لبنان؛ یا تحریم‌ها و مانورهای تحریک‌آمیز علیه ایران را در نظر داشت. از جمله نمونه‌های مداخله و بی‌ثباتی علیه کشورهای امریکای لاتین می‌توان از محاصره، تحریم‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز آمریکا علیه کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه و همچنین ممانعت از شرکت این کشورها در اجلاس سران قاره آمریکا نام برد. و یا در افریقا به اشغال صحرای غربی توسط پادشاهی مراکش و ترویج مداخلات، بی‌ثباتی، کودتا و درگیری‌های مسلحانه در کشورهای این قاره مانند مالی یا اتیوپی اشاره داشت. و بالاخره از تحریم‌های اعمال شده علیه کشورهای مختلف مانند بلاروس یا جمهوری دموکراتیک خلق کوریا گفت. اینها برخی از نمونه‌های مداخله و تهاجم امپریالیسم است که در سراسر جهان شاهد آن هستیم.

ایالات متحده با استفاده از ابزارهای قدرتمند سیاسی، اقتصادی و نظامی، همراه با دیگر قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری که در گروه G7 گردهم آمده‌اند، سعی می‌کنند به بحران جدی که با آن مواجه هستند پاسخ داده و با تلاش برای مهار و معکوس کردن روند افول نسبی خود، با سازماندهی مجدد نیروها که در سطح جهانی اتفاق می‌افتد و به‌طور عینی حاکمیت هژمونیک امپریالیسم را زیر سؤال می‌برد، مقابله کنند.

ایالات متحده در رویارویی آشکار با اصول روابط بین‌الملل که با پیروزی بر فاشیسم نازی در جنگ جهانی دوم به‌دست آمد و در منشور ملل متحد و در قانون نهائی آن کنفرانس هلسینکی آمده است، به‌دنبال ایجاد نظم جدیدی است که بر آن مسلط باشد.

۳- در چنین شرایطی است که اوضاع در اروپا وخیم و نگران‌کننده می‌شود و جنگ در اوکراین رخ می‌دهد. وضعیت کنونی و تحولات اخیر، از دهه‌ها سیاست محاصره، تشنج و رویارویی فزاینده آمریکا، ناتو و اتحادیه اروپا

علیه فدراسیون روسیه در عرصه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی که شامل گسترش مستمر ناتو می‌شود، جدائی‌ناپذیر است. - که اکنون با اعلام گسترش ناتو به فنلاند و سویدن بدتر شده - و با افزایش سیستماتیک استقرار وسایل و نیروها، این بلوک سیاسی - نظامی به‌طور فزاینده‌ای به مرزهای فدراسیون روسیه نزدیک‌تر نیز گردیده است.

این جنگ که به‌عنوان یک جنگ بین روسیه و اوکراین ارائه می‌شود، بسیار فراتر از آن است. این در واقع بیان جنگ امریکا و ناتو با روسیه در چارچوب ستراتیژی هژمونیک امپریالیسم ایالات متحده است که در آن از اوکراین و قدرت سیاسی مستقر در آنجا به‌عنوان ابزاری در این اقدام خطرناک جنگ‌افروزی استفاده می‌شود.

این واقعیت که روسیه یک کشور سرمایه‌داری است، با گزینه‌های طبقاتی که این امر در تعیین سیاست‌هایش به آن اشاره می‌کند، مانع از رویارویی امریکا با آن کشور نمی‌شود. ایالات متحده به‌دنبال مشروط کردن توسعه، تسلط سیاسی و تحمیل کنترل بر منابع طبیعی و قلمرو وسیع روسیه و همچنین زیر سؤال بردن نقش آن در سطح بین‌المللی، از جمله توسعه روابط متنوع دوجانبه و ارتقای زمینه‌های همکاری و ادغام چندجانبه است؛ مانند سازمان همکاری شانگهای (SCO) یا بریکس.

وضعیت در اوکراین را نمی‌توان از کودتای ۲۰۱۴ که توسط گروه‌های فاشیست صورت پذیرفت، و منجر به تحمیل رژیم گردید که با اقدامات خشونت‌آمیز خود مسؤول افزایش گسست و شکاف‌ها، آزار و اذیت، تبعیض و انکار اصول اساسی حقوق شهروندی مردم و برای شروع جنگی که از آن زمان در آن کشور در جریان است، جدا کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال بار دیگر و به‌صراحت و خلاف دیگران، تمام این مسیر مداخله، خشونت و تقابل، کودتای ۲۰۱۴ که تحت حمایت ایالات متحده در اوکراین یک قدرت بیگانه‌هراس و جنگ‌افروز را بر سر کار آورد، مداخله نظامی اخیر روسیه در اوکراین و تشدید جنگ‌افروزی توسط امریکا، ناتو و اتحادیه اروپا را محکوم می‌کند.

۴- حزب کمونیست پرتغال طرفدار صلح و دفاع از راه‌حل سیاسی برای این مناقشه است. حزب کمونیست پرتغال تشدید جنگ و نظامی‌گری را خلاف منافع کارگران و مردم محروم می‌داند و نسبت به خطرات جدی تشدید این چنین که برای جهان در پی خواهد داشت هوشدار می‌دهد. حزب کمونیست پرتغال با مردمی که قربانی جنگ شده‌اند ابراز همبستگی می‌کند.

حزب کمونیست پرتغال مجدداً تأکید می‌کند که توقف سیاست تحریک رویارویی، که تنها منجر به تشدید درگیری، تلفات بیشتر انسان‌ها، رنج و ویرانی بیشتر می‌شود، فوری است. ابتکاراتی مورد نیاز است که به تشنج زدانی در اوکراین، آتش‌بس و روند صحبت با هدف دستیابی به راه‌حل مذاکره، پاسخ به مسائل امنیت جمعی و خلع سلاح در اروپا و رعایت قوانین کمک کند.

اصول منشور ملل متحد و قانون نهائی کنفرانس هلسینکی، اصولی که حزب کمونیست پرتغال در زمانی که جنگ علیه یوگسلاوی، عراق، افغانستان، لیبیا یا سوریه در جریان بود، از آنها حمایت کرد و همچنان به‌طور مداوم از آنها حمایت می‌کند.

حزب کمونیست پرتغال تعهد صریح دولت پرتغال به تشدید رویارویی را، که بیانگر تسلیم آشکار در برابر منافع ایالات متحده است، محکوم می‌کند. پرتغال باید خود را از سیاست تهاجمی ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپا دور کند و بر اساس قانون اساسی جمهوری پرتغال و در چارچوب روابط خارجی خود، به حل مسالمت‌آمیز درگیری‌های بین‌المللی و صلح کمک کند.

۵- تشدید جنگ در اوکراین با مسؤلیت‌های آشکار امریکا، ناتو و اتحادیه اروپا به‌منظور توجیه سیاست‌ها و تصمیم‌هایی مانند افزایش هزینه‌های نظامی، ترویج مسابقه تسلیحاتی، افزایش انتلاف‌ها و مشارکت‌های جنگ‌افروزانه و بی‌اهمیت جلوه دادن نظامی‌گری در روابط بین‌الملل که مدت‌هاست اتخاذ شده و در حال اجراء هستند، استفاده می‌شود. این جنگ همچنین برای سفید کردن نقش ناتو و پنهان کردن ماهیت جنگ‌افروزانه و تهاجمی آن استفاده می‌شود، که یکبار دیگر در اهداف اعلام شده آن در اجلاس سران ناتو در ۲۹ و ۳۰ جون در مادرید آشکار شد. ناتو، خلاف آنچه که ادعا می‌کند، یک سازمان دفاعی نیست، و همچنین هیچ ارتباطی با نگرانی ادعائی برای صلح، امنیت، آزادی، دموکراسی یا حقوق بشر ندارد. در واقع، و از زمان پیدایش، این یک بلوک سیاسی - نظامی بوده است که با هدف سلطه امپریالیستی تعیین شده و مسؤل حمایت از رژیم‌های فاشیستی - مانند دیکتاتوری فاشیستی در پرتغال، که یکی از اعضای بنیانگذار ناتو در سال ۱۹۴۹ می‌باشد، بوده است. حمایت از کودتاها و تحمیل تحریم‌ها و محاصره‌ها، برای جنگ‌هایی مانند جنگ علیه یوگسلاوی، افغانستان یا لیبیا. ناتو یک سازمان تهاجمی است که به استقلال، دموکراسی و حقوق میلیون‌ها انسان بی‌احترامی می‌کند. ناتو در اروپا به‌معنای صلح نیست، به عکس، عمیقاً با جنگ‌های این قاره پس از جنگ جهانی دوم مرتبط است، همانطور که در یوگسلاوی دیده شد و اکنون در اوکراین مشهود است.

جنگ در اوکراین همچنین به‌عنوان بهانه‌ای برای تجاوز بیشتر به آزادی‌ها و حقوق، تشدید جعل و دروغ، تبعیض، دستکاری و سانسور اطلاعات به‌منظور تحمیل یک فکر واحد، سفید کردن و گسترش مفاهیم ارتجاعی و فاشیستی به‌منظور تبلیغ و ترویج ضد کمونیسم، و حمله به دموکراسی استفاده می‌شود - رانش خطرناکی که در آن آژانس‌ها و مراکز اطلاعاتی مرتبط با امپریالیسم نقش اساسی دارند.

۶- جنگ افروزی و ماریپیج تحریم‌های اعمال شده توسط امریکا، ناتو و اتحادیه اروپا، جهان را به وضعیت اقتصادی و اجتماعی جدی‌تری می‌کشاند. این واقعیت که سرمایه‌های کلان از جنگ و تحریم‌ها سوءاستفاده می‌کنند - همانطور که در مورد همه‌گیری اتفاق افتاد - با ماریپیج سفته‌بازی، افزایش قیمت انرژی، غذا و سایر کالاهای ضروری، حمله به شرایط زندگی و تشدید فقر و گرسنگی در سرتاسر جهان که منجر به افزایش عظیم سود شرکت‌های چندملیتی شده است، به‌طور فزاینده‌ای آشکار می‌شود.

عملیات جاری با هدف مقصر دانستن فقط این جنگ به عنوان عامل بلایای اصلی بشریت، در پی آن است تا از سرمایه‌داری سلب مسؤلیت، استثمار و سفته‌بازی را تعمیق، و برای ادامه سیاست تقابل و سلطه پوشش ایجاد کند.

۷- اتحادیه اروپا با تسلیم شدن به ستراتیژی ایالات متحده، منافع کارگران و مردمی را قربانی می‌کند که تحت تأثیر وحشیانه افزایش هزینه‌های زندگی، شرایط زندگی آنان به‌طور قابل توجهی تنزل یافته است و در حالی که تأثیرات غیرقابل انکار اقتصادی که در اروپا بسیار بیشتر از ایالات متحده احساس خواهد شد را می‌پذیرد، حقوق کاری و اجتماعی کارگران و مردم را مورد تهاجم قرار می‌دهد.

در مواجهه با تضادهای فزاینده، اتحادیه اروپا به‌دنبال تداوم سیاست‌های خود است و در صورت امکان، از طریق تمرکز حتی بیشتر قدرت در نهادهای خود، تحت کنترل قدرت‌های اصلی و تحت سلطه منافع گروه‌های انحصاری آنان، یکپارچگی عمیق‌تر سرمایه‌داری را ترغیب و تشویق می‌کند - همانطور که در به اصطلاح «کنفرانس آینده اروپا» به نمایش گذاشته شد.

پاسخ مؤثر به خواسته‌های کارگران و مردم اروپا، در تعمیق اتحادیه اروپا و سیاست‌های نئولیبرالی، فدرالیستی و میلیتاریستی آن نیست، بلکه مستلزم مسیر پیشرفت اجتماعی، صلح و همکاری بین دولت‌های مستقل و برابر حقوق است.

۸- در شرایط کنونی بین‌المللی، مقاومت و مبارزه کشورها و مردم در دفاع از استقلال و حقوق خود، از جمله حق توسعه، برای ساختن نظم جدید بین‌المللی در راه صلح، استقلال و پیشرفت اجتماعی، بیشترین اهمیت را دارد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال با ارج نهادن به اقدامات صورت گرفته در پرتغال بر اهمیت توسعه مبارزه برای صلح، علیه فاشیسم و جنگ، علیه تشدید رویارویی، تجاوز و مداخله امپریالیسم، علیه گسترش ناتو و برای مقابله و انحلال آن، علیه نظامی‌سازی اتحادیه اروپا، برای توافق‌های مربوط به کنترل، محدودیت و کاهش تسلیحات، برای پایان دادن به سلاح‌های هسته‌ای، تحریم‌ها و محاصره‌ها، احترام به حقوق و حاکمیت مردم، برای اصول منشور ملل متحد و قانون نهائی کنفرانس هلسینکی - در راستای ارزش‌های مندرج در قانون اساسی جمهوری، تأکید می‌کند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال با فراخوانی برای توسعه همبستگی با مردمی که در برابر اقدام خشونت‌آمیز امپریالیسم مقاومت می‌کنند، از مبارزات متعدد و متنوع کارگران و مردمی که در سراسر جهان در جریان است استقبال و بر اهمیت بیان مقاومت ضد امپریالیستی مانند سوریه، یمن، کوبا، نیکاراگوئه یا ونزوئلا، و بسیج و مبارزات مردمی، مانند فلسطین، صحرای غربی، سودان، برزیل، هندوراس یا کلمبیا، تأکید می‌کند.

حزب کمونیست پرتغال با آگاهی از خطرات بالقوه‌ای که شرایط بین‌المللی با خود همراه دارد، متعهد به تقویت جنبش بین‌المللی کمونیستی و انقلابی و گسترش همکاری، همبستگی متقابل و اتحاد در عمل، و نیز همگرایی گسترده جبهه ضد امپریالیستی خواهد بود.

[* https://mltoday.com/on-the-international-situation-portuguese-communist-party/](https://mltoday.com/on-the-international-situation-portuguese-communist-party/)

۰۲ مرداد - اسد - ۱۴۰۱